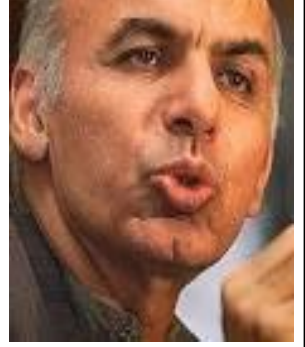




مهندس خیرالدین رامش آمرشهرسازی شد

انجنیر خیرالدین رامش، بعد از سپری نمودن موفقانه روند رقابت آزاد، اخیراً به حیث آمر شهرسازی ولایت غور تعیین شد. او که در بیستم حوت (اسفند) ۱۳۶۵ در مرکز ولسوالی دولتیار چشم به جهان گشوده است در سال ۱۳۸۴ از دبیرستان عالی سلطان علاالدین غوری فارغ التحصیل گردیده است. مهندس رامش بعد از سپری نمودن موفقانه امتحان کانکور در سال ۱۳۸۸ تحصیلات خویش را در بخش ساختمانی دانشکده انجنیری دانشگاه هرات به سویه لیسانس به پایان رسانیده است. او پیش از این حدود دو سال در مؤسسه سی آر اس در بخش های مسلکی و مدت دوسال و سه ماه به حیث مشاورتخنیکی شهرداری فیروزکوه در مؤسسه رم اپ غرب، در ولایت غور وظیفه اجراء کرده است.

کی ریسی جمهور خواهد شد؟



انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال ۱۳۹۳ برگزار خواهد شد. حدود ۲۷ از شخصیت های و چهره های گوناگون سیاسی خود را در این دور از انتخابات نامزد کرده اند که احتمالاً تعدادی از آنها در روز های آینده از نامزدی انصراف خواهند داد و تعدادی هم ممکن است به دلیل پوره نکردن شرایط نامزدی از سوی کمیسیون انتخابات رد صلاحیت شوند. از نظر پراکندگی و تشتت آراء انتخابات سوم ریاست جمهوری در مقایسه با دو انتخابات قبلی خیلی متفاوت به چشم می خورد. در انتخابات دوره اول ریاست جمهوری حامد کرزی و محمد یونس قانونی و تاحدودی محمد محقق از نامزدهای بودند که بیشترین آرای مردم در محور آنها گردآمده بود. در دوره دوم هم، آقای کرزی و داکتر عبدالله عبدالله رقیبان نسبتاً همزوری به حساب می آمدند و آرای مردم مانند دوره کنونی پراکنده نبود. این بار، اما با وارد شدن چهره ها و تیم های مانند داکتر عبدالله، استاد عبدالرب رسول سیاف، داکتر اشرف غنی احمد زی، داکتر زلمی رسول، عبدالقیوم کرزی و دیگران، آرای مردم، ممکن است خیلی متشتت و پراکنده باشد. چیزی دیگری که در این دور انتخابات متاسفانه پر رنگتر از دو دور قبلی به نمایش گذاشته شده است، رنگ و بوی قومی و قبیله ای انتخابات است. انتخابات از پدیده های دنیای مدرن است که اقشار مختلف جامعه تاحدودی فارغ از دغدغه های قومی و نژادی و مذهبی به پای صندوق های رای می روند و به برنامه های مورد نظر خویش رای می دهند؛ متاسفانه در جوامع عقب مانده همه چیز رنگ قومی و قبیله ای می گیرد و از پدیده های مدرن نیز به شیوه های سنتی و عنعنوی استفاده می شود. به هر حال خوب است که در اینجا به میزان محبوبیت و احتمال گرفتن یا نگرفتن آرای هریک از نامزدان یا تیم های مطرح تر، به صورت فشرده و گذرا اشاره ای داشته باشیم.

۱- داکتر عبدالله عبدالله:

داکتر عبدالله در میان تاجیک ها و طیف وسیعی از مجاهدین طرفدارانی دارد اما ظاهراً این بار، آرای او نسبت به دوره قبلی به مراتب کمتر است؛ زیرا از یک طرف استاد سیاف نامزد دیگر انتخابات بخشی از آرای مجاهدین را از او خواهد گرفت و همین طور محمد اسماعیل خان که از چهره های پرنفوذ جمعیت در حوزه غرب به حساب می آید در تیم استاد سیاف است و بدون شک به صورت چشمگیری از آرای داکتر عبدالله در این حوزه می کاهد. داکتر عبدالله در انتخابات گذشته در میان مجاهدین پشتون نیز، کاملاً بدون هواخواه نبود که این بار آن طیف از هواداران او احتمالاً به اشخاصی مانند استاد سیاف، سید اسحاق گیلانی و دیگران رأی خواهند داد. انجنیر خانمحمد که معاون اول آقای عبدالله است نه در میان پشتون ها جایگاه ویژه ای دارد و نه هم طرفداران هیچ یک از شاخه های حزب اسلامی به او رای خواهند داد و لذا داکتر عبدالله نمی تواند از کارت ایشان برای خود سودی ببرد. محمد محقق معاون دوم داکتر عبدالله بدون شک در میان هزاره ها طرفدارانی دارد؛ اما او تنها کاندیدای هزاره ها نیست و افراد مانند محمد سرور دانش، حبیبه سرابی و دیگران بدون شک از آرای محقق خواهند کاست. این نکته هم قابل یادآوری است که داکتر عبدالله شخصاً در میان هزاره ها محبوبیتی ندارد و لذا سخت است که از میان هزاره ها به خاطر موجودیت محقق، کسی بخواهد رای خویش را به حساب داکتر عبدالله واریز نماید.

۲- استاد سیاف:

استاد سیاف هر چند در این اواخر برخی موضع گیری های صریح و قاطعی در مبارزه با طالبان داشته است و نظر تعدادی از مردم را به خود جلب کرده است؛ اما اکثر مردم او را یک چهره بنیادگرا و تندرو می شناسند و بخش های از جامعه به نظریات و دیدگاه های او علاقه مندی چندانی ندارند. اسماعیل خان معاون اول آقای سیاف چهره شناخته شده ای به حساب می آید؛ اما طبیعتاً آرای او نیز که عمدتاً از میان مجاهدین برمی خیزد در میان کاندیداهای گوناگون تقسیم شده است و لذا کمک چندانی به این تیم نمی تواند. از جانب دیگر استاد سیاف مخصوصاً در میان هزاره ها به دلیل مشکلات جنگ های کابل و مخصوصاً حوادث افشار، موقعیت بسیار ضعیف و نامحبوبی دارد و نمی تواند از میان هزاره ها برای خود آرای دست و پانماید. استاد سیاف در میان ازبک ها نیز اوضاع بهتر از اینی ندارد و در نهایت، نامزدی به حساب نمی آید که بتواند اکثریت قاطع آرا را از خود نماید.

۳- داکتر اشرف غنی احمدزی:

داکتر اشرف غنی، هر چند به عنوان چهره تکنوکرات و دارای برنامه گفته می شود؛ اما در مورد این انتخابات (هر چند بسیار زود است) تاحال از این زاویه برجسته گی واضحی از او دیده نشده است. او در میان پشتون ها موقعیت برتر و رفیع تری از استاد سیاف، قیوم کرزی، انورالحق احدی، یا گل آقا شیرزوی ندارد و لذا فقط می تواند بخش محدودی از آرای پشتون ها را با خود داشته باشد. جنرال عبدالرشید دوستم به عنوان رهبر جنبش و شخصیت بانفوذ در میان ازبک ها شاید بتواند آرای قابل توجهی برای این تیم به دست آورد، اما بدون شک برای برنده شدن به آرای اقوام واقشار گوناگون مردم افغانستان ضرورت است. البته جنرال دوستم نیز در میان ازبک ها رقبای دارد که در تیم های دیگر تنظیم شده اند و آرای دوستم را کاهش می دهند. محمد سرور دانش وزیر سابق عدلیه و معاون دیگر وی، هر چند چهره علمی و معتدلی به حساب می آید؛ ولی داکتر اشرف غنی نمی تواند باکارت آقای دانش در میان تمام هزاره ها بازیگری و جلوه گری نماید و آرای مناسبی به دست آورد و در نهایت احتمال برنده شدن این تیم نیز بسیار ضعیف به نظر می رسد.

ادامه صفحه ۳



امید می رود با آمدن کادر های شایسته، مسلکی و جوان در ولایت غور، وضعیت اداری ولایت به صورت چشمگیری بهبود یابد و نواقص و کمبود های ادارات برطرف گردد. این در حالی است که چندی قبل فخرالدین آریاپور جوان تحصیل کرده دیگر، به عنوان رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت غور انتخاب شد. مردم انتظار دارند که نسل جوان با شفافیت و صداقت و تلاش بیشتر وظایف خویش را انجام بدهند و سرمشق والگوی بی نظیری از وطن دوستی و وظیفه شناسی و شایستگی از خویش تبارز بدهند.



جایگاه صلح از دیدگاه اسلام

ماهیت صلح

مفهوم واژه صلح برای همگان واضح و روشن است. همه می دانند که این واژه را چگونه تعریف کنند؛ ولی باز هم به خاطر توضیح بیشتری خواهم تعریفی از این واژه داشته باشم. صلح، کلمه عربی است که معانی متعددی را افاده می کند از جمله معنای: خیر، نفع و فایده، آسایش، نعمت، لیاقت، کثرت چیزی، حسن، خوبی، آشتی و کفایت، اتحاد و اتفاق، اصلاح نواقص و کاستی ها، آتش بس و خیراندیشی و انجام اعمال شایسته. صلح عبارت از، حاصل زندگی مسالمت آمیز و همزیستی نیک و برقراری مناسبات خوب، بدون خشونت میان اقوام، طایفه ها و اقشار جامعه و در مجموع بین انسانها می باشد. صلح دربرگیرنده یک عده معیارهای اخلاقی، ارزش ها و حقایق زندگی است که منحصر به توقف جنگ نمی باشد؛ بلکه عدم موجودیت خشونت ها با تمام ابعاد آن و قطع جنگ و تغییر حالت منازعه و پایان دادن به اختلافات قومی، گروهی، سمتی، نژادی و منطوقی می باشد. صلح عبارت از ایجاد فضای آرامش در جامعه می باشد که در آن مصونیت، عدالت و آزادی از طریق همکاری افراد جامعه تأمین شده باشد و از موجودیت روابط حسنه، شرکت فعال و همکاری میان افراد و گروه های متحرک و با اراده حکایت کند، که در جستجوی حفظ ارزش های چون امنیت، عدالت و آزادی و مصونیت افراد و اشخاص در جامعه می باشند.

اهمیت و ارزش صلح

صلح در اسلام مسأله بس مهم و ریشه داری ست که ارتباط و پیوند ناگسستنی و محکمی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسانها دارد. یعنی طرز فکری که تمام نظام های اسلام به آن برمی گردد و تمام اصول، قوانین و دستورات اسلام به صلح و آشتی ارجح می گذارد. دین مقدس اسلام همیشه پیروان خود را در راستای صلح و آشتی دعوت می کند و تأکید دارد که مسلمانان زندگی آرام داشته باشند و همواره در فضای دوستی و برادری زندگی کنند، تا بتوانند در برابر دشمن ایستادگی کنند و بر دشمن غالب شوند. اسلام صلح را در سطح خانواده، طایفه، قبیله، جامعه، و بالاخره در سطح مجموعه انسانها خواسته است و در همه سطوح اهمیت خاصی به صلح قایل است و در جای جای قرآن مجید به مناسبت های مختلف بر آن تأکید نموده و به حیث دستور و فرمان مسلمانان را وظیفه داده است که بین مسلمانان صلح بیاورند و در راستای تأمین امنیت و صلح تلاش کنند. دین مقدس اسلام بر زندگی مسالمت آمیز و زندگی بدون خشونت در خانواده، جامعه، منطقه، قریه، شهر و بازار و در تمام ابعاد زندگی بشریت تأکید دارد و بر این اساس جامعه اسلامی را محل آرامش و کانون پرورش مهر و محبت، صلح، آشتی، دوستی، اخوة و برادری و بالاتر از آن ایجاد مؤدت معرفی می نماید.

پیمان صلح

پیغمبر اسلام (ص) با هرکسی که به او پیشنهاد صلح می داد، پیمان صلح برقرار می کرد و هرکسی که با او پیمان می بست، با او نمی جنگید؛ جز آنانی که عهدشان را می شکستند و علیه مسلمین با دشمنان آنها همکاری می کردند. از این قبیل است جنگ با یهود بنی قریظه. بعد از آنکه با احزاب مختلف، در جنگ خندق علیه مسلمین وارد کارزار شدند و با دشمنان همکاری کردند، پیغمبر اسلام (ص) برای تنفیذ امر خدا مأمور گردید که با این عهدشکنان بجنگد. پیمان صلحی که پیامبر اسلام (ص) در حدیبیه با قریش برقرار ساخت، شرط چهارم این بود: «کسی که داخل پیمان قریش گردید، از قریش و آنکه داخل پیمان محمد (ص) شد، از محمد (ص) است». روی همین اصل بود که قبیله بنی بکر، با قریش و قبیله خزاعه با محمد (ص) هم عهد و هم پیمان شدند. قبیله خزاعه، نظر به این که در زمان جاهلیت هم سوگند با عبدالمطلب (جد پیغمبر (ص)) بودند، تصمیم گرفتند تا پیمان خود را با آنحضرت (ص) تجدید کنند. عهد و میثاقی که آنها با عبدالمطلب داشتند متضمن مواد زیر بود: «عبدالمطلب و فرزندان او مردان خزاعه، یار و همدیگرند. بر عبدالمطلب لازم است که آنها را یاری کند و برخزاعه نیز لازم است که نسبت به عبدالمطلب و فرزندان او علیه جمیع عرب ها در هر نقطه ای که هستند خواه در شرق یا در غرب، یار و مددکار باشند». پیغمبر اسلام (ص) نیز عین همین معاهده را قبول کرد؛ ولی دوش شرط به آن افزود، که این یاری و نصرت در کجا و در چه مواردی باید باشد؟ تا با مبادی اساسی اسلام مخالفت نداشته و قابل سازش باشد. آن دو شرط این است: «چنانچه خزاعه مرتکب ظلم و ستم شدند، یاری شان نکنند و چنانچه مظلوم و ستم دیده شدند، حتماً آنها را یاری و مدد کنند.» البته این پیمان در وقتی بسته شد که قبیله خزاعه هنوز اسلام نیاورده بود، ولی محمد (ص) به نام اسلام با آنها پیمان بست که چنانچه مظلوم و ستم دیده واقع شدند، از یاری و کمک او بهره مند شوند؛ زیرا همان طوری که سابقاً گفته شد، اسلام ظلم و ستم را به هر نحوی که باشد، دشمن می دارد و می کوشد آن را خواه از ملت خود و خواه از معتقدین به ادیان دیگر، دفع کند. پیغمبر (ص) در باره حلف الفضول و یا پیمان جوانان، که در زمان جاهلیت عادت بود، این طور فرمود: «در خانه عبدالله بن جدعان شاهد و ناظر سوگندی بودم که هیچ وقت حاضر نیستم آن را با شترهای سرخ مو معاوضه کنم. چنانچه کسی در اسلام مرا به آن بخواند، اجابتش خواهم کرد. و پیامبر در این عهد و پیمانی که کرده دوست ندارد حتی اگر در عوض شترهای خوب ایشان را بگیرد نقض کند و آن پیمانی است که عده ای از جوانان مکه به شمول حضرت محمد (ص) با هم عهد و پیمان بستند که ستم ها را از سر مردم دور کنند و حق مظلوم را از ظالم بستانند.

این موضوع بسیار واضح، روشن و بدیهی است که در جامعه که مناسبات انسان ها با محبت و رأفت تنظیم شود و به دور از خشونت باشد، آن جامعه در صلح خواهد بود و زندگی مسالمت آمیز خواهد داشت. قرآن مجید در این عرصه توجه بسیار جدی نموده و درس های مؤثری دارد که در صورت عمل کردن به آنها صلح و زندگی مسالمت آمیز و بدون خشونت در جامعه تأمین می شود. خداوند (ج) در زمینه می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» (همگی به رشته (دین) خدا چنگ بزنید و به راه های متفرق نروید). همچنین خداوند (ج) در روابط داخلی، مسلمان ها را به وحدت و دوری از تفرقه امر می کند. وحدت و همدلی که مرحله عالی از زندگی مسالمت آمیز است، نعمت خداوند خوانده شده است این نعمت الهی روابط مسلمانها را در حدی رشد می دهد که نسبت اخوت و برادری میان آنان برقرار می شود و در نتیجه، این مساله مناسبات داخلی مسلمانان را قوت و نیرو می بخشد تا در برابر دشمن خود پیروز شوند.

خداوند در جای دیگری فرماید: «واطیعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتنفلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» (انفال / ۴۶) «خدا و فرستاده اش را پیروی کنید و با یکدیگر کشمکش و نزاع نکنید که در اثر آن سست و ضعیف می شوید و غرور و قدرت شما نابود می شود، استقامت و پایداری کنید که خداوند با مقاومت گران است.» از این آیه متبرکه استنباط می شود که مسلمان ها باید از خدا و رسولش که نقطه مورد اتفاق همه است اطاعت کنند و در مناسبات داخلی نه تنها با یکدیگر جنگ نکنند که نزاع و کشمکش هم نباید داشته باشند والا در برابر دشمن شکست خواهند خورد. باز هم خداوند (ج) می فرماید: «و ان طائفتان من المؤمنین اقتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا الی تبغی حتی تفری الی امر الله فان فائت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین» اگر دو طایفه از مؤمنین با یکدیگر جنگیدند، بینشان اصلاح کنید. اگر معلوم شد یکی از آن دو طایفه بر دیگری ستم می کند با آن طایفه بجنگید تا به حکم اجبار تابع امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشتند، بین آن دو طایفه به عدل اصلاح کنید و عدالت را گسترش دهید که خدا عدالت گستران را دوست می دارد.»

در صورتی که مناسبات داخلی برخی از مسلمانها با برخی دیگر به جنگ منتهی شود، سایرین وظیفه دارند بین آنان صلح برقرار کنند. خداوند (ج) با وجود اخوت و برادری دینی بین مسلمین جنگ بین آنان را ناروا معرفی می کند و خداوند رأفت و رحمت خود را برای مصلحین و کسانی که در صلح زندگی می کنند، مژده می دهد، تا از این طریق آرامش روحی برای ایجاد جامعه سالم و زیست باهمی مسلمین به وجود آید.

کی ریس جمهور ...

۴- داکتر زلمی رسول:

زلمی رسول با معاونیت احمدضیامسعود و داکترحبیبه سرابی تیم نسبتاً معتدلی را تشکیل می دهد؛ اما از لحاظ پایگاه و جایگاه اجتماعی هیچ کدام آنها حتا به اندازه تیم های فوق الذکر نیز از استحکام و استواری برخوردار نیستند و شانس بسیاری برای برنده شدن ندارند. احمدضیا مسعود ظاهراً در میان تاجیک ها از منزوی ترین و کم طرفدارترین شخصیت ها شمرده می شود و با موجودیت کسان مانند داکترعبدالله، یونس قانونی، صلاح الدین ربانی، مارشال فهیم، استادعظامحمدنور، امرالله صالح و دیگران در جبهه های مخالف، احمدضیا جایگاه بسیار ضعیفی در میان تاجک ها دارد و نمی تواند برای تیم، آرای قابل توجهی جذب نماید. داکتر حبیبه سرابی نیز در موقعیتی نیست که شخصا در میان جامعه هزاره، طرفداران بسیاری داشته باشد. شایعاتی وجود دارد که تیم زلمی رسول از جانب ارگ و آقای کرزی حمایت می شود و احتمال برنده شدن اش بیشتر می شود؛ اما این شایعات در مورد داکتر اشرف غنی احمدزی، عبدالقیوم کرزی و استادسیاف نیز وجود دارد و لذا برنده شدن این تیم نیز محتمل به نظر نمی رسد.

۵- انوارالحق احدی:

داکتر احدی ممکن است در میان بخش کوچکی از پشتونها و اعضای حزب افغان ملت طرفدارانی داشته باشد، اما موقعیت و جایگاه اش حتا با افراد مانند داکتر اشرف غنی و استاد سیاف نیز قابل مقایسه نیست. در این اواخر حتا در درون حزب افغان ملت نیز دو دسته گوی و پراکندگی های شنیده شد است بنابراین احتمال برنده شدن وی نیز کاملاً دور از انتظار می باشد.

۶- عبدالقیوم کرزی:

قیوم کرزی تنها شهرتی که دارد به خاطر این است که برادر رییس جمهور است. گفته می شود که حامد کرزی رییس جمهور نیز با نامزدی برادرش موافق نبوده است. قیوم کرزی بدون شک در میان پشتون ها جایگاه برتر از دیگران ندارد و تمام ناکامی های رییس جمهور کرزی از فساد اداری گرفته، تا نبود امنیت نیز به پای خانواده ایشان نوشته خواهد شد و لذا بخت چندانی برای بُرد نخواهد داشت. از طرف دیگر اگر گفته شود که قیوم کرزی از حمایت ارگ برخوردار است، این احتمالات در مورد برخی نامزدان دیگر نیز وجود دارد، بدین لحاظ، قیوم کرزی نیز نمی تواند برای مردم افغانستان جذابیت خاصی داشته باشد.

روی هم رفته و در نتیجه شاید با قاطعیت بتوان گفت که هیچ یک از نامزدان ریاست جمهوری در جایگاه و موقعیتی نیستند که بتوانند پنجاه جمع یک فیصد آرا را در دور اول به دست بیاورند و لذا تردیدی نیست که انتخابات سال ۹۳ به دور دوم کشیده خواهد شد. در آن زمان، وقتی که فقط دو نامزد باقی بماند، انتخابات برای مردم ساده تر خواهد شد و شاید آسان تر بتوان حدس زد که چه کسی رییس جمهور آینده کشور خواهد شد؟ در حال حاضر اما، هیچ یک از نامزدان در جایگاهی قرار ندارند که خود را برنده انتخابات بپندارند.

به چه کسی رای می دهیم؟

محمد باین پور

انتخابات شورای ولایتی در پیش روی ما قرار دارد. سوال اصلی اما؛ این است که ما مردم غور این بار به چه کسی رای می دهیم؟ در انتخابات های گذشته، قومیت و منطقه، دو ملاک و معیار اصلی رای دهی ما بود که متأسفانه نه نتیجه خوب داشت و نه کار پسندیده و مناسبی بود. در دوره های قبلی ما به فلان نامزد به خاطر اینکه از اقوام یا منطقه ما بود رای دادیم؛ اما به ملاک ها و معیارهای دیگر توجهی نکردیم و در نتیجه چنین نماینده ای، نتوانست به هیچ یک از خواسته های ما رسیدگی کند؛ زیرا او اگرچه قوم و خویش ما بود؛ ولی توانایی، دانش و ظرفیت کاری کافی نداشت و در نهایت همه ما از این وکیل خود دلخور و ناراضی شدیم.

این بار اما؛ ما نباید به دلایل عصبیت، قومیت، سمت و غیره رای بدهیم چرا که این عمل ما، از یک طرف خلاف راهنمایی ها و ارشادات دین مقدس اسلام است و از جانب دیگر، نماینده بی کفایت اگر قوم و خویش ما هم باشد، نمی تواند کاری را به پیش ببرد و لذا انتخاب چنین وکیلی، فایده ای ندارد. پس معیار ها و شاخص های انتخاب و گزینش ما با توجه به تجارب دو دوره قبل، چه چیز های باید باشد؟ که با توجه به مجال اندک، به برخی از آنها به صورت گذرا و فشرده در اینجا اشاره می شود:

۱- علم و دانش:

علم و دانش نماینده یا وکیل، باید از معیارهای شماره یک انتخاب ما باشد. کسی که از نظر علمی و دانشی مخصوصاً در عرصه های مدیریت و سیاست، دانش و معلومات کافی نداشته باشد، نمی تواند وظیفه خویش را به درستی انجام دهد. پس باید ما هنگام گزینش نماینده، به این معیار عمده، بسیار توجه داشته باشیم.

۲- توانایی و کارآیی:

در کنار دانش و تخصص، توانایی کاری نیز باید شاخص دیگر ما باشد. اگر یک نفر توانایی کافی و استعداد سازماندهی و نمایندگی مناسب، نداشته باشد، نمی تواند در صحنه عمل برای مردم خود دست آوردی داشته باشد. بنابراین باید به کسی رای دهیم که واقعا توانایی و زرنگی لازم را برای مسند و کالت داشته باشد.

۳- تقوا و پرهیزگاری:

شاخص تقوا و پرهیزگاری به قدری مهم و حیاتی است که خداوند بزرگ تنها تفاوت انسان ها را از روی تقوا و پرهیزگاری تعیین کرده است که «ان اکرمک عندالله اتقکم». بنا براین مردم باید به کسی رای بدهند که آدم متقی و پرهیزگاری باشد و در برابر کارهای ناپسند و غیراخلاقی از قبیل رشوت، اختلاس، دزدی، حیف و میل دارایی عامه و غیره حساسیت داشته باشد و از معامله گری و منفعت طلبی خود داری ورزد.

۴- عدالت و انصاف:

موضوع عدالت و انصاف نیز برای ما باید از اهمیت بسیار برخوردار باشد. نماینده یا وکیل ما باید کسی باشد که به حقوق و امتیازهای خود و دیگر شهروندان واقف باشد و در مورد همه مردم، دید یکسان و برابر داشته باشد و همه چیز را تنها برای خود و دار و دسته خویش نخواهد. هر مدیر و وکیل و حاکمی که در مورد عدالت سهل انگار و بی پروا باشد در کار های او خیر و برکت و تأثیر مثبتی نیست که الملک بقی مع الکفر ولایقی مع الظلم.

۵- معرفت سیاسی:

نمایندگی و وکالت از مردم، درحقیقت یکی از مسایل و عرصه های مهم سیاسی کشور به حساب می آید. بنا براین ما باید به کسی رای بدهیم که از علم سیاست و ایجابات مسایل سیاسی امروز کشور، معلومات و اطلاعات کافی داشته باشد. کسانی که از سیاست و تکنیک ها و فوت و فن های آن بی بهره اند، نمی توانند به صورت درست از ما نمایندگی نمایند. کسانی که از پیچ و خم های جاده سیاست بی اطلاع هستند، پیوسته در دنیای خیالی و آرمانی خودشان زندگی می کنند و از جریان های پیچیده سیاسی و از بسیاری کارهای که در شورا انجام می شود بی اطلاع می مانند. پس نماینده ما باید کسی باشد که به تعبیر معروف، الفبای سیاست را بداند و با زد و بند های و معاملات عجیب و غریب سیاست آشنایی داشته باشد.

خلاصه سخن اینکه، اگر این بار ما، نماینده های انتخاب کنیم که کم از کم به معیارهای ذکر شده برابر باشند، شاید بتوانند گوشه ی از مشکلات ولایت را رفع کنند، اما اگر بازهم به دلایل قومی، سمتی، گروهی، مذهبی و غیره نماینده های بی کفایت، بی خبر، کم دانش و ناتوان را به شورای ولایتی بفرستیم، یقین داشته باشید که کوچکترین تغییری به اوضاع زندگی ما نخواهد آمد و نتیجه انتخاب ما، جز پشیمانی و تأسف چهار ساله، چیزی دیگری نخواهد بود.

مصونیت قضایی یا تغییر محل محاکمه؟

این روز ها مسأله موافقتنامه امنیتی و مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴، به یکی از موضوعات داغ رسانه ها، تبدیل شده است. رییس جمهور کرزی نیز در کنفرانس رسانه ای که اخیراً با جان کری وزیر خارجه آمریکا داشت، تصمیم گیری در این باره را به « جرگه بزرگ » مردم افغانستان موکول کرد و به نحوی از پذیرش چنین اقدامی شانه خالی کرد. برخی از کارشناسان تصمیم رییس جمهور را به دلیل اینکه، این موافقتنامه بخشی از قرارداد استراتژیک میان افغانستان و ایالات متحد آمریکا است، ضایع کردن وقت دانستند. آنها استدلال می کنند که جرگه عنعنوی و پارلمان کشور، قبلاً در مورد این پیمان، موافقت کرده اند و برگزاری جرگه دیگر، ضرورتی ندارد.

جدای از بحث موافقت و مخالفت اما، به نظر من در اصل تعبیر مصونیت قضایی، اندکی سوء تفاهم و غلط فهمی رخ داده است. موضوع مصونیت قضایی طوری جلوه داده می شود که گویا اگر نظامیان آمریکایی بعد از ۲۰۱۴ هر عمل غیرقانونی که در افغانستان مرتکب می شوند از تعقیب قضایی مصون هستند و اگر فرضاً صبح تا شام آدم های بی گناه را در کوچه و خیابان هم بکشند کسی از آن ها بازخواستی نخواهد کرد. هدف آمریکایی ها از مصونیت قضایی اما؛ چنین نیست. آنها می خواهند که اگر نظامیان شان عملی انجام بدهند که از نظر قانونی جرم باشد و نیاز به محاکمه داشته باشد، این محکمه در دادگاه های آمریکا و مطابق قوانین آن کشور صورت بگیرد. بنابراین ظاهراً خواسته آمریکا مصونیت قضایی نیست؛ بلکه تغییر محل محاکمه است. آنها شاید به نظام قضایی کشور خودشان اعتماد و باور بیشتر دارند و فکر می کنند که در مورد تخلفات و جرایم شهروندان آمریکا، عدالت در آنجا به شکل بهتر و منصفانه تر تأمین می شود و لذا روی این موضوع پای می فشارند.

حالا به نظر من اگر کسی از جرگه مردم افغانستان و یا از پارلمان این کشور می خواهد که در این مورد موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند باید پرسش را به صورت درست و دقیق بپرسد. پرسش اما این نیست که ما به نظامیان آمریکایی مصونیت قضایی می دهیم یا نمی دهیم؟ سوال این است که مردم افغانستان می پذیرند که نظامیان آمریکایی در داخل آمریکا محاکمه شوند یا نمی پذیرند؟ زمانی که سخن اصلی، تغییر محل محاکمه باشد نه مصونیت قضایی، آنگاه تصمیم گیری در مورد آن می تواند راحت تر و ساده تر باشد. مردم، طرفدار عدالت و انصاف هستند و نمی خواهند که از طرف کسی علیه شهروندان کشور ظلم و ستمی صورت بگیرد. زمانی که درک کنند که هرکس جنایتی مرتکب شود، حتما محاکمه می شود، در آن حالت شاید در مورد محل محاکمه، حساسیت بسیاری وجود نداشته باشد.

محمد حسن حکیمی به شورای ولایتی کاندیدا شد.



محمد حسن حکیمی معاون دفتر مجتمع جامعه مدنی غور، به اساس خواست و تقاضای مردم و اعضای جامعه مدنی، خود را به شورای ولایتی غور نامزد کرد. حکیمی که از رشته اجتماعیات تربیه معلم غور فارغ التحصیل شده است، در بخش های مختلف جامعه مدنی فعالیت داشته است. حکیمی پیش از این به عنوان، رییس ارگان ملی جوانان، خبرنگار آژانس خبری وقت و پژواک، سردبیر ماهنامه ۲۱، سردبیر ماهنامه سیمای شهر، رییس اتحادیه ژورنالستان، رییس بورد مشورتی شهرداری، مسوول آموزش کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی، ناظم کمیسیون انتخابات و کارمند مرکز تداوی معتادین وظیفه اجرا کرده است.

حکیمی همچنان به کنفرانس های مهم ملی در عرصه های جامعه مدنی و رسانه ها در کابل، هرات، مزار و شهرهای دیگر اشتراک کرده است و در کنفرانس توکیو کشور جاپان نیز از طرف جامعه مدنی حوزه غرب حضور داشته است. حکیمی در عرصه های گوناگون مدنی از جمله جلسات دادخواهی، راه پیمایی ها، تحصن ها و دیگر فعالیت ها و اعتراضات مدنی به عنوان سازماندهنده و همکار شرکت داشته است و دست آورد های ملموسی برای مردم غور به ارمغان آورده است.

ما برق می خواهیم

صدها تن از مردم غور به شمول فعالان جامعه مدنی، شب هنگام در کنار دریای هریرود در شهر چغچران، شمع و چراغ هریکین روشن کردند و خواستار اعمار بندبرق در این ولایت شدند. آنها می گفتند که از جمله نفوس بیست هزار نفری شهر چغچران، کمتر از ۱۰ هزار تن آنها از جنراتور دیزلی دولتی استفاده می کنند که یک کیلو وات برق به قیمت ۶۰ افغانی می باشد. معترضین گفتند که این جنراتور نیز از یک هفته بدینسو، از کار افتاده و مردم با نبود برق مواجه اند. آنها با شعارهای «رییس جمهور! وعده هایت چه شد؟ غور باداشتن دریاها مشهور و خرشان هریرود، فراه رود و مرغاب، در تاریکی تابه کی؟ و ما برق می خواهیم» به گردهمایی خود خاتمه دادند. محمدحسن حکیمی یکی از فعالان جامعه مدنی، گفت: «تاکنون هیچ پروژه مهم زیر بنایی در غور انجام نشده است، مانه سرک داریم و نه برق. رییس جمهور در سفر ده سال قبل به غور وعده اعمار بند برق را داده بود؛ اما این وعده عملی نشده است.»

وی افزود جای تعجب است که سه دریای مشهور از غور می گذرد، ولی برق نیست و تنها قسمتی از شهر، توسط یک جنراتور دیزلی روشن می شود که یک کیلووات برق از ۵۰ تا ۶۰ افغانی بوده و برای مردم کمرشکن تمام می شود.

وی، علاوه کرد که اکثر اوقات جنراتور خراب می شود و یک هفته و حتی یک ماه مردم در تاریکی به سر می برند.

خوشدل شاگرد صنف هفتم لیسه سلطان علاوالدین غوری گفت: «ما آب فروان داریم؛ چرا دولت به ما برق نمی سازد، ما در تاریکی زندگی می نماییم و نمی توانیم درس بخوانیم. میلیاردها دالر به کشور ما کمک شد، ولی به غور کاری نشده.»

وی گفت: «ما در داخل شهر با چراغ تیلی زندگی می کنیم، آیا ما از افغانستان نیستیم که دولت به ما برق جور نمی کند.»



محمد وزیر نورانی فعال دیگر جامعه مدنی گفت که درین شب ها که مرحله حساس انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی جریان دارد، مردم دوست دارند تا از طریق رادیو و تلویزیون، از اوضاع خبر شوند؛ اما به علت نبود برق، از خبرها محروم می باشند.

اما انجنیر محمد یاسین رییس شرکت برشنا در ولایت غور می گوید که مشکل عمده، نبود شبکه درست و سیستم منظم برق رسانی است.

وی افزود که جنراتور دیزلی، کهنه شده و هربار از کار می افتد و شهریان غور، با مشکل برق مواجه می شوند؛ اما آنها در حال خریداری یک جنراتور دیگر به ظرفیت یک میگاوات برق هستند و قرار است که تا یک ماه دیگر نصب شود و تمام شهریان غور را برق بدهد.

انجنیر یاسین می گوید که با آنهم، مشکل مردم به شکل موقت حل خواهد شد و لازم است که دولت، بند برق اعمار نماید تا مشکل مردم برای دایم از ناحیه برق حل شود.

آسفالت ۱۱ کیلومتر سرک در فیروزکوه تکمیل شد

یازده کیلومتر سرک در داخل شهر چغچران مرکز ولایت غور، از کمک های کشور جاپان قیرریزی شد.

این سرک ها که کار آن، دو سال قبل به هزینه هشت میلیون دالر آغاز گردیده بود اخیراً، توسط انجنیر نجیب الله اوژن وزیر فوایدعامه و مسوولان محلی غور افتتاح گردید.

سیدانور رحمتی والی غور، با تقدیر از کمک های جاپان گفت که با قیرریزی این سرک ها، تسهیلات لازم مواصلاتی برای شهریان چغچران فراهم شده است.

وی افزود که جاپان، پروژه های زیادی را در عرصه معارف، صحت، انکشاف دهات، زراعت و سرکسازی در غور انجام داده؛ اما یکی از نیازهای مهم مردم غور و مناطق مرکزی، اعمار شاهراه هرات - غور - کابل است که تاحال درین عرصه توجه نشده است.

والی گفت: «نبود سرک، مردم را به مشکلات زیاد اقتصادی و فقر دچار نموده و مواد خوراکی که از کابل به غور منتقل می شود، قیمت آن سه تا چهار برابر افزایش می یابد و باشندگان غور، پنج ماه در محاصره برف می باشند.»

وی از دولت و جامعه جهانی خواست تا در اعمار این سرک، اقدام جدی نماید.

فضل الحق احسان رییس شورای ولایتی غور، از دولت و جامعه جهانی انتقاد نمود و گفت که این ولایت به فراموشی سپرده شده است؛ در حالی که در دیگر ولایات، صدها کیلومتر سرک قیر می شود؛ اما در غور طی ۱۲ سال، حالا یازده کیلومتر سرک قیر شده است.

وزیر فوایدعامه در پاسخ گفت: «ما و دولت به حق مردم غور ظلم نمودیم و توجه نکردیم، هدف سفر من تنها افتتاح یازده کیلومتر سرک نیست، بلکه آمده ام که از نزدیک با مردم صحبت کنم و وعده می دهم که آنچه در توان وزارت فوایدعامه باشد، همکاری خواهیم کرد.»

وی علاوه کرد که ۱۲ پروژه در غور، اولویت بندی شده است که ۲۵ کیلومتر سرک بین ولسوالی ساغر و تولک و ۲۵ کیلومتر بین تولک و شهر چغچران را احتوا می کند و کار ۷۰ کیلومتر سرک از ولسوالی یکاولنگ بامیان تاغور، در سال آینده به شکل درجه اول نیز آغاز خواهد شد.

به گفته وزیر فوایدعامه؛ بدون چهل کیلومتر سرک، «گردن دیوال» که قبلاً تحت کار است، ۶۰ کیلومتر سرک دیگر، به داوطلبی گذاشته شده است. پروژه "گردن دیوال" از طریق ولایت میدان وردک و عبور از ولایت بامیان به غور وصل می شود.

صاحب امتیاز: نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان

مدیر مسئول: نبی ساقی

سردبیر: محمد حسن حکیمی

خبرنگار: تیمور شاه احمدی

دیزاین: خان محمد سیلاب

گروه نویسندگان: سید علی مشفق، دین محمد شکیب، معصومه انوری، حبیب سرود و محمد حسین نبی زاده

آدرس: چغچران، کوچه هلال احمر، نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان.

آدرس الکترونیکی: n.saqee@gmail.com

۰۷۹۹۳۰۱۲۱۲

۰۷۹۸۲۲۰۱۲۲ /

تیراژ: ۲۰۰۰ شماره

